

## جستار

## احیای برجام و افزایش مشارکت در انتخابات



**احمد رضایان قیه‌باشی**

کارشناس مسائل بین‌الملل

اگر نگوییم بعد سیاسی برجام پررنگ‌تر از خوانش دیپلماتیک، امنیتی، اقتصادی و تجاری آن است، کمتر از این ابعاد نیست. به هر حال توافق هسته‌ای نتیجه کنش‌وواکنش و گفت‌وگوی جریان‌های سیاسی نسبت به مذاکره با غرب خصوصا ایالات متحده در قبال پرورنده فعالیت‌های هسته‌ای بود. نکته مهم‌تر به این واقعیت بازمی‌گردد که اگر چه برجام دارای بعد سیاسی یا بهتر بگوییم خوانش سیاسی داخلی است، اما متفاوت از آن است که توافق هسته‌ای «پای‌چه سیاسی انتخاباتی» شود. لذا این دو مقوله باید از هم تفکیک شود؛ بله برجام است که برجام بدل شده است. مسائله‌ای که یک اثر مهم این، هم‌زمانی شرایط خاص کنونی برجام باانتخابات ریاست‌جمهوری خرداد ماه‌باعث شده است اکنون توافق هسته‌ای بیش از هر زمان دیگری سیاسی شود. البته این امر بسیار طبیعی است؛ چون برجام یکی از مهمترین توافقات و اسناد دیپلماتیک در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که تاثیرات بسیار مهم، حال مثبت و منفی روی تمام ابعاد و وجوه کشور گذاشته است. پس طبیعی است که برجام یکی از محورهای رقابت‌های سیاسی انتخاباتی در کشور باشد. پیرو این نکته اگر نشست وین برای احیای برجام در شرایطی روی می‌داد که ما شاهد برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در کشور نبودیم تا این اندازه توافق هسته‌ای سیاسی نمی‌شد. یعنی احزاب و جریان‌های داخلی تا به این اندازه هم‌شبهه سیاسی شدن برجام دامن نمی‌زدند. پس هم‌زمانی برگزاری نشست وین برای احیای برجام با برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری بیش از هر زمان دیگری عملا به کاتالیزوری برای سیاسی شدن برجام بدل شده است. مسائله‌ای که یک امر منفی برای سیاسی شدن برجام تلقی می‌شود این است که جریان‌های سیاسی داخلی، به‌خصوص اصولگرایان، که مجلس یازدهم را در دست دارند، سعی می‌کنند توافق هسته‌ای و احیای برجام را به یک بازیچه سیاسی انتخاباتی بدل کنند. یعنی این جریان سعی می‌کند این گونه تلقین کند که احیای برجام و نشست وین عملا به تلاش طرفین آمریکایی و اروپایی برای پیروزی در انتخابات تبدیل شده است لذا برای تعیین نگرانی در تلاشند از اهرم «عدم‌احیای برجام» یا «تاخیر در احیای برجام به بعد از انتخابات» به عنوان یک بازیچه سیاسی برای پیروزی‌شان در انتخابات استفاده کنند. اینجاست که سیاسی‌بودن و سیاسی‌شدن برجام به عنوان یک بازیچه مطامع انتخاباتی می‌تواند آسیب‌ها و نعیات مخرب جدی برای منافع ملی کشور داشته باشد. اگر نشست وین برای احیای برجام با برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در کشور هم‌زمان نمی‌شد، باز هم شاهد سیاسی‌شدن برجام و مشخصا بازیچه سیاسی شدن توافق هسته‌ای نبودیم؟! قطعاً چرا. چون اساسا جریان اصولگرا با یک نگاه و خوانش ایدئولوژیک و انقلابی هیچ‌گونه رغبت و تمایلی برای تلاش داخلی به منظور مذاکره و گفت‌وگو با غرب و به‌خصوص ایالات متحده امریکا ندارد. این مساله در زمان گفت‌وگوهای برجامی در دولت یازدهم بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ مطرح بوده که در آن زمان فضای انتخاباتی وجود نداشته است. پس چون جریان اصولگرا مخالف مذاکره و گفت‌وگو است تماماً همواره سعی می‌کند همه تلاش‌ها و تحرکات دیپلماتیک برای مذاکره با غرب را امری سیاسی یا بهتر بگوییم بازیچه‌ای سیاسی جلوه‌دهد تا با حساسیت‌آفرینی گاها کاذب آن را مختل کند.

چون عملا برجام، گفتمان جمهوری اسلامی را در حوزه سیاست خارجی تغییر داده است. یعنی توافق هسته‌ای به جهان اعلام می‌کند بنای ایران بر تنش‌زدایی در عرصه روابط بین‌الملل است. این جریان سعی می‌کند برای به حاشیه کشاندن این گفتمان، عملاً ذیل سیاسی کردن این تلاش‌ها، شرایط را به نفع خود تغییر دهد. کم‌ابنکه همین نگاه منفی درخصوص برجام پیرامون FATF به مطرح است. همان‌گونه که اصولگرایان هم به دنبال کسب قدرت هستند، اصلاح‌طلبان و دیگر جریان‌های معتدل حامی دولت هم از هیچ تلاشی برای احیای برجام به منظور کسب برگ برنده در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری دریغ نمی‌کنند، اما اینجا نکته مهمی که باید ملاحظ نظر باشد به «اخلاق سیاسی» بازمی‌گردد.

## ویژه

محسن هاشمی:

**نمی‌توانم صریح بگویم که در انتخابات شرکت می‌کنم یا خیر**
رئیس شورای اسلامی شهر تهران گفت: به طوری که اصول‌گرایان معتقد اگر رئیس در انتخابات حضور پیدا کنند، برخی افراد ناظمی نمی‌شوند و اگر آقای رئیسی حضور پیدا نکنند نیز نوبت کالیباف است. در اصلاح‌طلبان نیز پل‌اتکلیفی مربوط به تأیید صلاحیت‌ها است. آن نهاد اجماع‌ساز در اصلاح‌طلبان برای انتخاب کاندید مدنظر، به سمت انتخاب آقای حسن خمینی رفتند که ایشان با پیشنهاد معظم رهبری در انتخابات کناره‌گیری کردند. محسن هاشمی افزود: لذا هنوز اصلاح‌طلبان برای انتخاب کاندید مدنظر، به نتیجه نرسیدند. بنده هم به عنوان عضو حزب کارگزاران پیشنهاد شده‌ام اما این به معنای قبول یا عدم‌قبول از سوی بنده نیست بلکه تنها اسم بنده نیز به عنوان یک نامزد احتمالی مطرح شده است. وی تأکید کرد: لذا نامه ما در حال حاضر در پل‌اتکلیفی هستیم و فعلاً نمی‌توانم به صورت صریح بگویم که در انتخابات شرکت می‌کنم یا خیر.

**چهارشنبه ۱۴۰۰۰۲۰۰۱**
شماره ۹۹۲
سال چهارم
۱۴۴۲/۲۰۲۱ آوریل ۲۰۲۱

**محمدصادق جوادی حصار در گفت‌وگو با «آرمان‌ملی»:**

# خاتمی بهترین گزینه تغییر رفتار انتخاباتی اصلاح‌طلبان است

**نهاداجماع‌ساز به‌شورای‌نگهبان تبدیل شده‌است؟!**

**اصلاح‌طلبان باید روش حضور در قدرت را تغییر بدهند**

**اصلاح‌طلبان در باره رفتار خود در مقابل دولت پاسخگو باشند**

**احزاب قدرتمندتر اصلاحات، مراقب چنددستگی باشند**

**تصمیمات نهاداجماع‌ساز تحت تأثیر قدرت پنهان قرار نگیرد**

**نهاداجماع‌ساز به یک‌ا ابزار خودکنترلی تبدیل نشود**

**نیایدسکوت مردم را به‌منزله‌نادیده گرفتن مطالبات بدانیم**



**آرمان‌ملی**–احسان‌نصاری:اصلاح‌طلبان در حالی در حال بررسی بهترین گزینه برای حضور در انتخابات هستند که هنوز وضعیت مشارکت مردم رویکرد شورای نگهبان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. به همین دلیل نیز بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها با تردید همراه خواهد بود. نهاداجماع‌ساز جریان اصلاحات در سازوکاری که برای معرفی‌کاندیدای نهایی این جریان مشخص کرده، شرایطی را در نظر گرفته که با انتقاداتی همراه بوده است. این در حالی است که برخی از احزاب اصلاح‌طلب و از جمله کارگزاران سازندگی در شورای مرکزی خود به‌گزینه محم‌جواد ظریف برای حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری رسیده‌اند. برای تحلیل و بررسی این وضعیت «آرمان‌ملی» با محمدصادق جوادی حصار، فعال سیاسی اصلاح‌طلب‌گفت‌وگو کرده است. عضو شورای مرکزی حزب اعتمادملی معتقد است: «هنوز مشخص نیست جریان اصلاحات در روزهای منتهی به انتخابات قرار است با چه بخشی از مردم ارتباط برقرار کنند. از سوی دیگر آیا جریان اصلاحات منتقدان خود را دسته‌بندی کرده و سطح انتقاداتی که از جریان اصلاحات مطرح می‌شود گر وه‌بندی شده‌است؟ آیا پاسخ‌های لازم برای این انتقادات فراهم شده‌است؟ آیا این مسائل برای مردم شریع شده که جریان اصلاحات در چه زمان‌هایی از دولت آقای روحانی حمایت کرده و دلیل این حمایت‌ها چه بوده و در مقابل در چه زمان‌هایی از دولت حمایت نکرده و با چه دلیلی؟ ما باید درباره عملکرد دولت آقای روحانی به مردم پاسخ بدهیم. از سوی دیگر آیا رفتار اصلاح‌طلبان در سال‌های گذشته مورد بررسی و نقد قرار گرفته‌اند؟ آیا اصلاح‌طلبان پاسخ مناسبی به عملکرد این جریان در حوزه مجلس دادند؟ در شرایط کنونی مردم باید دلایل اقتصادی سکوت کرده‌اندو اظهار نظری نمی‌کنند. این در حالی است که نباید سکوت مردم را به عنوان از بین رفتن مطالبات و دغدغه‌های آنها قلمداد کرد.»

پس از آن یک سازوکار قابل راستی‌آزمایی برای نظرسنجی تدوین کنند تا بتوانند از مردم نظرخواهی کنند. در نهایت نیز می‌توانستند با بررسی نتایج نظرسنجی‌ها به سه یا چند گزینه برسند و اولویت‌های خود را در انتخابات مشخص کنند. یکی از بدیعی‌ترین شرایط چنین وضعیتی، ائتلاف احزاب درباره گزینه‌های نهایی است که باید صورت بگیرد. پس از این اجماع افرادی که مورد نظر هستند می‌توانند در انتخابات ثبت‌نام کنند. نکته مهم در این زمینه این است که اگر این سه حزب قدرتمندتر جریان اصلاحات تلاش کنند با چنین رویکردی به گزینه نهایی جریان اصلاحات دست پیدا کنند. لذا این خطر وجود دارد که احزاب دیگر جریان اصلاحات با ناراضیاتی از

چنین وضعیتی به سمت ائتلاف‌های دیگر حرکت کنند و رویکرد دیگری در انتخابات در پیش بگیرند. در چنین شرایطی خطر دودستگی یا چنددستگی جریان اصلاحات را در آستانه انتخابات تهدید می‌کند؛ تهدیدی که می‌تواند در سرنوشت نهایی انتخابات تأثیر مستقیم داشته باشد. جریان اصلاحات باید این مساله را مشخص کند که برای احزاب به چه میزان اعتبار قائل است؟ آیا تنها احزاب محدودی می‌توانند در جریان اصلاحات تعیین‌کننده باشند یا اینکه شرایط برای تأثیرگذاری همه احزاب اصلاح‌طلب وجود دارد. بهترین راهکار این است که احزاب اصلاح‌طلب با توجه به پایگاه اجتماعی و موقعیتی که دارند در تصمیم‌گیری‌های جریان اصلاحات نقش داشته باشند. هر چه این تقس پررنگ‌تر و ملموس‌تر باشد به همان‌اندازه توان همکاری در جریان اصلاحات بیشتر خواهد شد. یکی از انتقاداتی که به اصلاح‌طلبان وارد است این است که در طول چهار سال انرژی این جریان تنها صرف مقابله با رویکردهای جریان مقابل است و تنها در آستانه انتخابات به فکر تشکیل چنین نهادهایی می‌افتند. مقابله با رویکردهای جریان مقابل در فضای سیاسی طبیعی و مرسوم است. با این وجود نباید به مهم‌ترین دغدغه فعلی جریان سیاسی تبدیل‌شود. امروز ما در شرایطی قرار داریم که کمتر از دو ماه تا انتخابات ریاست‌جمهوری باقی مانده اما هنوز جریان اصلاحات هیچ اقدام موثر و قابل توجهی انتخاباتی انجام نداده است. این وضعیت تا حدود زیادی برای جریان اصولگرایی نیز وجود دارد.

اگر آقای خاتمی بخواهند متد کشنگری سیاسی خود را تغییر بدهند بهتر است به سمت ایجاد یک حزب فراگیر سیاسی حرکت کنند. او باید به فکر بازسازی جریان اصلاحات باشد؛ به همین دلیل مسؤولیت یک حزب فراگیر سیاسی باید بر عهده بگیرند تا این حزب بتواند از تأثیرگذاری در جریان اصلاحات برخوردار باشد.

**در چنین شرایطی جریان اصلاحات باید چه اقداماتی انجام بدهد؟**

هنوز مشخص نیست جریان اصلاحات در روزهای منتهی به انتخابات قرار است با چه بخشی از مردم ارتباط برقرار کنند. از سوی دیگر آیا جریان اصلاحات منتقدان خود را دسته‌بندی کرده و سطح انتقاداتی که از جریان اصلاحات مطرح می‌شود گروه‌بندی شده است؟ آیا پاسخ‌های لازم برای این انتقادات فراهم شده است؟ آیا این مسائل برای مردم تشریح شده که جریان اصلاحات در چه زمان‌هایی از دولت آقای روحانی حمایت کرده و دلیل این حمایت‌ها چه بوده و در مقابل در چه زمان‌هایی از دولت حمایت نکرده و با چه دلیلی؟ ما باید درباره عملکرد دولت آقای روحانی به مردم پاسخ بدهیم. از سوی دیگر آیا رفتار اصلاح‌طلبان در سال‌های گذشته مورد بررسی و نقد قرار گرفته‌اند؟ آیا اصلاح‌طلبان پاسخ مناسبی به عملکرد این جریان در حوزه مجلس دادند؟ در شرایط کنونی مردم به دلایل اقتصادی سکوت کرده‌اند و اظهارنظری نمی‌کنند. این در حالی است که نباید سکوت مردم را به عنوان از بین رفتن مطالبات و دغدغه‌های آنها قلمداد کرد. اگر امروز اصلاح‌طلبان از مردم دعوت کنند که در انتخابات حضور پیدا کنند آیا مردم از اصلاح‌طلبان سوال نخواهند کرد که عملکرد آنها در مجلس و دولت به چه صورت بوده است؟ اگر اصلاح‌طلبان قصد دارند از مردم بخواهند در انتخابات حضور پیدا کنند باید برای این سوالات پاسخ مناسبی پیدا کنند. با تمام این شرایط به نظر

**این خطر وجود دارد**

**که اگر کاندیدایی که**

**نهاد اجماع‌ساز معرفی**

**می‌کند به هر دلیلی**

**مورد تأیید شورای**

**نگهبان قرار نگرفت**

**بدنه جریان اصلاحات**

**با تهدیدهای جدی در**

**انتخابات پیش‌روی**

**مواجه شوند. در**

**چنین شرایطی اگر**

**کسی برخلاف نظر**

**نهاد اجماع‌ساز در**

**انتخابات ثبت‌نام کند**

**یا رویکردی متفاوت در**

**پیش بگیرد به احتمال**

**زیاد وی را اصلاح‌طلب**

**بدلی خطاب خواهند**

**کرد**

می‌رسد وجود نهاد اجماع‌ساز در شرایط کنونی از نبودن چنین نهادی بهتر به نظر می‌رسد. با این وجود نمی‌توانیم مدعی شویم این نهاد دارای ضعف نیست؛ بلکه باید تلاش کنیم ضعف‌ها و نواقص این نهاد را به مرور زمان مرتع کنیم.

**عدم توجه به تطبیق حضور سیدحسن خمینی و عدم علاقه آقای ناطق‌نوری برای حضور در انتخابات تا این لحظه گمانه‌زنی‌های سیاسی به سمت حضور آقای خاتمی رفته است. با توجه به اینکه احتمالاً انتخابات آینده با مشارکت متوسط به پایین همراه خواهد بود حضور آقای خاتمی به چه میزان می‌تواند صحنه انتخابات را دگرگون کند؟**

بنده حضور آقای خاتمی را در انتخابات محتمل نمی‌دانم و معتقدم احتمال حضور ایشان در انتخابات بسیار ضعیف خواهد بود. به مصلحت آقای خاتمی نیز نیست که در شرایط کنونی خود را به عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری مطرح کند. اگر آقای خاتمی بخواهند متد کشنگری سیاسی خود را تغییر بدهند بهتر است به سمت ایجاد یک حزب فراگیر سیاسی حرکت کنند. آقای خاتمی باید به فکر بازسازی جریان اصلاحات باشند؛

به همین دلیل مسئولیت یک حزب فراگیر جدید را بر عهده بگیرند تا این حزب بتواند از تأثیرگذاری اجتماعی و سیاسی برخوردار باشد. باید این امکان‌ها در صورت تصمیم‌سازی حزبی در جریان اصلاحات از بین برود. در شرایط کنونی آقای خاتمی در رأس هرم اصلاح‌طلبی قرار دارد و همه جریان‌های سیاسی به شکلی خود را به آقای خاتمی منسوب می‌دانند. این در حالی است که اختلافات بین احزاب همچنان به قوت خود باقی است. شرایط به شکلی است که آقای خاتمی می‌توانند برای تغییر رفتار سیاسی و متد انتخاباتی بز گترن نقش را در کشور ایفا کنند. آقای خاتمی می‌توانند این مطالبه

جدی مردم را به وسیله رفتارندوم دنبال کنند؛ که شیوه‌گرینش انتخاباتی تغییر کند و کشور به سمتی حرکت کند که پارلمانی تصمیم‌گیری شود. در شرایط کنونی هرغم اینکه احزاب در انتخابات شرکت می‌کنند اما سیستم سیاسی کشور و پارلمان و دولت نیز حزبی نیستند. اگر شرایطی به وجود بیاید که دولت از حزب یا ائتلاف بین احزاب تشکیل شود یا پارلمان از احزاب تشکیل شود می‌توانیم از آقای خاتمی به عنوان رهبر یک حزب فراگیر استفاده کنیم.

**در بین گزینه‌های مطرح شده در جریان اصلاحات اعم از ظریف، عارف، جهانگیری و محسن هاشمی کدام گزینه را اصلح می‌دانید و معتقدید این گزینه‌ها از پتانسیل اجماع در بین احزاب اصلاح‌طلب برخوردار هستند؟**

اگر هر کدام از این گزینه‌ها بتوانند در درون جریان اصلاحات اجماع ایجاد کنند سوال اینجاست که قرار است چه اتفاقی در کشور رخ بدهد؟ راه‌حل عبور از وضعیت موجود این است که روش زمامداری و حکومتداری را تغییر بدهیم. باید روش حضور در قدرت را تغییر بدهیم. اگر امروز آقای خاتمی هم وارد انتخابات شوند باید به این سوال پاسخ بدهند که امروز قدرتمندتر هستند یا سال ۷۶؟ آیا جریان مقابل ایشان امروز منسجم‌تر است یا در سال ۷۶؟ پاسخ به این سوالات مشخص است. امروز حوزه و قدرت بازدارندگی جریان مقابل برای ما مشخص شده است. امروز ما می‌دانیم جریان مقابل از چه مسیرهایی می‌تواند متد رفتار اصلاحی جریان اصلاحات شود. به همین دلیل ما باید به این نکته فکر کنیم که چگونه می‌توانیم این موانع را کنترل کنیم. اگر برای این رویکرد راه‌حل پیدا کنیم لزومی ندارد آقای خاتمی شخضا وارد عرصه انتخابات شود. آقای خاتمی کسی است که با یک جمله تکرار می‌کنم موفق شده زمینه تشکیل دولت را فراهم کند. هنگامی که ایشان دارای چنین پتانسیلی است نباید با ورود ایشان به عرصه انتخابات از آقای خاتمی یک مهره سوخته بسازیم. در سال ۷۶ آقای خاتمی تنها یک کاندیدای ریاست‌جمهوری بود. این در حالی است که امروز در راس هرم اصلاح‌طلبی قرار دارد. به همین دلیل باید از چنین پتانسیلی برای تغییر رویکردهای انتخاباتی استفاده کنیم.

# آرمان‌ملی

armanmeli.ir

# سیاسی ۱۱

## یادداشت

## آیه یأس نخوانید



**حسن غفوری فرد**

فعال سیاسی اصولگرا

مهم‌ترین نقش احزاب و نقطه اوج فعالیت‌شان، انتخابات است. احزاب برای ورود به انتخابات و قدرت، تشکیل می‌یابند. وظیفه اصلی آنها حضور در انتخابات است و باید بتوانند علاوه بر حمایت از کاندیدای منتخب خود، مردم را برای حضور در انتخابات تهییج کنند. مشکل ما این است که احزاب جامع‌اندازیم و بیشتر آنها صنفی، محلی و بومی هستند؛ به غیر از حزب مؤتلفه اسلامی که در بیشتر شهرهای کشور دفتر دارد، بقیه فقط در دوره تبلیغات انتخاباتی فعال می‌شوند. بنابراین مردم نمی‌توانند به آنها اعتماد کنند. با این وجود احزاب باید از کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری بخواهند برنامه‌های خود را ارائه دهند. همچنین از مردم و نخبگان بخواهند مشکلات‌شان را مطرح کرده و برنامه و طرح برای حل آن ارائه کنند. نقش دولت‌ها به پشتوانه مردم است؛ در جوامع امروزی، افکار عمومی و سرمایه اجتماعی، نقش پررنگ‌تری نسبت به اسلحه دارد. بنابراین مشارکت مردم به عنوان یک پشوانه از کاندیدای انتخابات خواهد بود. ما مانند

اینکه در دوران دفاع مقدس، امکانات عراق خیلی بیشتر بود اما به دلیل سرمایه اجتماعی، توانستیم موفق شویم. در جنگ آمریکا و ویتنام نیز چنین شرایطی وجود داشت. به طور معمول، قدرت انقلاب و هسته اصلی آن مردم هستند؛ مانند تشییع پیکر حاج‌قاسم سلیمانی که اثر جهانی داشت، بنابراین حضور مردم در انتخابات مهم است. علاوه بر این، برخی می‌خواهند بگویند مردم خسته شده‌اند اما حضور مردم می‌تواند این تئوری‌ها را باطل کند. افراد و کاندیداها نباید به تخریب یکدیگر پردازند. مانند آنچه در سال‌های پیش اتفاق افتاد. آنها باید به جای تخریب یکدیگر، به تشریح خود و برنامه‌هایشان بپردازند. باید مردم را امیدوار کنند. باید به مردم امید دهند که رئیس‌جمهوری، دومین شخص مملکت است و با طرح‌ها و ایده‌ها می‌تواند مشکلات را حل کند. مشکلات فکری می‌کنم اگر شایسته‌سالاری وجود داشته باشد، مشکلات حل می‌شود. اگر ملت وارد انتخابات شود، مشکلات حل می‌شود. شرایط سخت کرنا در سردی فضای انتخابات نقش زیادی داشته است، کشور در واقع تعطیل است. وقتی مردم در خانه هستند، امکان حضور و وجود ندارد و برای همین انتخابات ندادند و خود برگزاری انتخابات سخت است. چند انتخابات در راه است و شرایط برگزاری هم سخت. تأکید بر اینکه شورای نگهبان باعث کاهش حضور مردم در انتخابات می‌شود، کم‌لطفی است. به‌طور نمونه در انتخابات مجلس یازدهم برای هر صندلی، ۱۰۰ نفر کاندیدا بودند، چطور می‌شود گفت ردصلاحیت گسترده اتفاق افتاده است. اتفاقاً نقش شورای نگهبان بسیار مهم است. اینکه در انتخابات شورای شهر کاهلی‌هایی رخ داد و چندین رئیس شورای شهر را و اعضای هیئت رئیسه آنها از کرسی خود سلب می‌شود مردم مایوس شوند. برای حضور مردم در انتخابات آیه یاس نمی‌خوانم و امیدوار هستم. رهبری هم احتمالاً در دو هفته آخر سخنرانی خواهد کرد و مردم را برای حضور تهییج می‌کنند. امیدوارم مردم شرایط دلخوری را لحاظ کنند و در انتخابات مشارکت خوبی داشته باشند.

## دیدگاه

## بررسی علل کاهش مشارکت ۱۳۹۸ و راهکار افزایش آن در ۱۴۰۰

**ادامه از صفحه ۱**
در انتخابات پیش‌رو راهکاری به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود:
۱- یأس و سرخوردگی و انفعال مردم یک بحران و چالش جدی است که انتظار می‌رود در فرصت اندک باقیمانده تا انتخابات، تصمیم‌گیران، احزاب و تشکل‌های سیاسی برای غلبه بر مهمتر از خود صنعت عمل و اعضای هیئت رئیسه نظارتی در بررسی صلاحیت نامزدهای شاخص اصلاح‌طلبی است که آیا در تصمیم‌گیری‌هایشان نسبت به انتخابات قبلی گشایش و دید وسیع و وسعت‌نظر خواهند داشت یا اینکه به همچنان بر پاشنه قبلی خواهد چرخید. از آنجایی که نظارت استصوابی موضوعی است که فعالان سیاسی در آستانه هر انتخاباتی با آن مواجه هستند، چنانچه این مساله با جوانب رعایت شود و نامزدهای تمامی تشکل‌های سیاسی داخل نظام بتوانند در عرصه انتخابات حضور یافته و خود را در معرض انتخاب مردم قرار دهند و مردم هم احساس کنند نمایندگان‌شان در منظر مردم قرار دارند قطعاً با طیب خاطر در صحنه انتخابات مشارکت داشته و پای صندوق‌های رای حضور فعالانه خواهند داشت.
۲- آرای خاموش و خاکستری؛ مشخص است که بخش کثیری از رای‌دهندگان در سپهر سیاسی ایران را آرای این قشر خاموش و در عین حال تعیین‌کننده در صورت مشارکت در انتخابات یقیناً با جریان اصلاح‌طلبی همراهی خواهند کرد و در هر انتخاباتی هم که پای کار بیایند، قطعاً موجب افزایش نرخ مشارکت در آن انتخابات خواهند شد؛ پس بنابراین اگر در انتخابات آینده جریان اصلاحات بتوانند این بخش خاکستری را به صحنه بیاورد ضمن بالا بردن مشارکت خاکستری جمهوری اسلامی این جریان (اصلاحات) را نیز در پی پیروز شدن داشته. با در نظر گرفتن مجموعه عوامل پیش‌گفته و در صورت وجود انتخاباتی آزاد، برابر و رقابتی با حضور نامزدهای تمامی سلاقی و تشکل‌های سیاسی می‌توان شاهد افزایش مشارکت در حلقه مردم در انتخابات خرداامه ۱۴۰۰ بود، که تیری بر آب دشمنان و بدخواهان نظام اسلامی نیز خواهد بود.